



وزارت معارف

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

دری

صنف هفتم

برای مکاتب پشتو زبان



سال چاپ: ۱۳۸۸ ه. ش.



وزارت معارف

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

دری

صنف هفتم

برای مکاتب پشتو زبان

کتابهای درسی متعلق به وزارت معارف میباشد؛ خرید و فروش آن در بازار جداً ممنوع است. با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ . ش.

الف

کمیته تجدید نظر

کمیته محتوا و لسان:

- شکیلا شمس هاشمی آمر دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- عبدالرزاق کوهستانی عضو علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- محمد نسیم فقیری متخصص زبان و ادبیات دیپارتمنت دری.
- پوهندوی عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دیپارتمنت دری.
- دکتورشفیقه یارقین مشاور و رئیس امور تربیوی وزارت معارف.
- پوهنوال حمیدالله ویدا عضو شورای علمی وزارت معارف.

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دکتور محمد یوسف نیازی مشاور وزارت معارف در بخش تعلیمات اسلامی.
- محمد آصف ننگ رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.
- عبدالجبار عارف عضو دیپارتمنت علوم دینی.

کمیته نظارت

- دکتور عبدالغفور غزنوی معین انکشاف نصاب تعلیمی، مرکز ساینس و نشرات وزارت معارف
رئیس کمیته
- محمد صدیق پتمن معین تدریسی وزارت معارف
عضو
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی
عضو

کمپوز و دیزاین:

- حمیدالله غفاری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیام

خداوند جل جلاله را سپاسگزاریم که در نتیجه ارادهٔ راسخ و قربانی های ملت مجاهد ما و مساعی جمیله سازمان ملل متحد و کشورهای بشردوست جهان، صلح سراسری و نظام سیاسی مشروع در کشور استقرار یافت و به مصیبت چندین سالهٔ ناشی از جنگ پایان داد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان و در رأس جلالتمآب حامد کرزی از بدو تاسیس نظام مردمی حاکم، به منظور نیل به اهداف والای ملی، طرح پروگرام های نوینی را در تمام عرصه های باز سازی و انکشافی کشور در دستور کار خویش قرار داده است. با سپاس بیکران از حمایت بیدریغ و رهنمودهای داهیانۀ جلالتمآب شان تلاشهای پیگیر و اقدامات موثری در عرصۀ تعلیم و تربیه و در راستای نوسازی و شگوفایی معارف و تربیت نسل جوان به مثابهٔ افراد دارای روحیۀ اسلامی، وحدت ملی، انسانهای متمدن و مسلمانان واقعی و نیرومند در مرحلهٔ تطبیق قرار دارد، که خیلی ها ارزنده و حایز اهمیت است. وزارت معارف در راستای طرحها و ابتکاراتی که در جهت بازسازی معارف افغانستان روی دست دارد، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی را موظف گردانید، تا از یک طرف مشکل کمبود و نبود کتب درسی مکاتب را رفع نماید و از جانب دیگر در روشنی پالیسی و اهداف علمی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به تهیه و تدوین نصاب تعلیمی واحد که جوابگوی نیازمندیهای حال و آیندهٔ کشور باشد، بپردازد.

هدف نصاب تعلیمی جدید، تربیت و تعلیم اسلامی و علمی اولاد وطن که با مقتضیات جامعهٔ ما و معیارهای بین المللی موافق بوده و در راستای محتوای آن تفکر سالم را در اندیشۀ اطفال، نوجوانان و جوانان دانش آموز تقویت نماید و آنان را با دست آوردهای دانش نوین آشنا سازند، می باشد. جوانان کشور ما باید مسلمانان متدین، وطندوست، مردم دوست، مجهز با زیور علم و کمال بار آیند و با انکشاف علوم و پیشرفت تمدن معاصر آشنایی حاصل نموده، با عزم راسخ از تحولات جدید و مثبتی که به میان آمده، مستفید گردند. آنها به منظور ساختن افغانستان نوین و ایجاد جامعهٔ مرفه، علاوه بر تحولات ساینس و تکنالوژی، بایست از اساسات علوم انسانی، حقوق بشر، صلح، وحدت ملی و همزیستی مسالمت آمیز آگاه بوده، وطندوستی، حفظ محیط سالم زیست، مبارزه با جهل و تولید و قاچاق مواد مخدر را در اولویت های امور تعلیمی و آموزشی خود قرار دهند.

از معلمان صدیق، دلسوز و با تجربه ما که در تطبیق نصاب تعلیمی جدید، مسؤولیت عظیم آموزش و پرورش اولاد کشور را به عهده دارند و از سایر شخصیت های علمی، فرهنگی و دانشمندان عرصه معارف کشور تمنا داریم، با ارائه نظریات و پیشنهادات سازندهٔ خویش مؤلفان ما را در تألیف و بهبود کتب درسی همکاری نمایند.

همچنان از کشورها و سازمان های محترم تمویل کننده (دانیدا، یونیسف، یونیسکو، بانک جهانی و ادارهٔ انکشاف بین المللی ایالات متحدهٔ امریکا) که در چاپ کتب، وزارت معارف را همکاری مادی نموده اند، سپاسگزار هستیم.

امیدواریم تمام شاگردان عزیز، معلمان گرامی، مادران و پدران محترم در حفظ کتابهای درسی از هیچگونه کمک و همکاری دریغ نفرمایند.

فاروق وردک

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۱	صلح و آشتی	۱	حمد
۳۲	حفاظت دندانها	۳	اخلاق و صفات حضرت پیغمبر ﷺ
۳۴	اتحاد	۵	پیروی از قرآن شریف
۳۶	پند	۶	کبوتر و مورچه
۳۸	دعوت نامهٔ ختم قرآن کریم	۷	آبهای نوشیدنی
۳۹	افغانستان	۸	نوبت را مراعات نماییم
۴۱	مثلها	۹	چیزی را که به خود نمی پسندی...
۴۲	پند	۱۱	علم و دانش
۴۳	سبزیها	۱۳	کتاب
۴۵	طوطی	۱۴	گفتاری از حضرت پیغمبر ﷺ
۴۷	گل لاله	۱۵	غزوه بدر
۴۸	دو رسام	۱۷	نصیحت
۴۹	آفتاب و ستاره گان	۱۸	احترام معلم
۵۱	بازی تعمیر	۱۹	نامهٔ پسر برای پدر
۵۳	حکایت	۱۹	حاتم طایی و خارکن
۵۵	وطن ما	۲۰	امانتداری
۵۷	بیچاره مادر	۲۱	حضرت عمر فاروق <small>رضی الله عنه</small>
۵۸	طفل بی احتیاط	۲۲	حکایت
۵۹	حقوق بشر چیست؟	۲۳	آهنگر
۶۰	حکایت	۲۴	پسر عزیز
۶۲	تنباکو و ضررهای آن	۲۶	فصل بهار
۶۴	ماین چیست و چه خطر دارد؟	۲۸	شجاعت
۶۶	امتحان سالانه	۲۹	مال حرام

حمد

ثنا و حمد بی پایان خدا را
وز انعامت همیدون چشم دارم
که دیگر باز نستانی عطا را
ز احسان خداوندی عجب نیست
اگر خط درکشی جرم و خطا را
خداوندا بدان تشریف عزت
که دادی انبیاء و اولیاء را
به حق پارسایان کز در خویش
نیندازی من ناپارسـا را
خدایا گر تو سعدی را برانی
شفیع آرد روان مصطفی را

محمد سید سادات عالم

چراغ و چشم جمله انبیاء را

سعدی

لغت

معنی

ستایش و توصیف خداوند ﷻ	ثنا و حمد
آفریدن، آفرینش	صنع
بخشش	عطا
احسان	فضل
همین قسم، همچنین	همیدون
عفو کنی	خط در کشی
نگیری	نستانی
گناه	جرم
شرف و عزت داشتن	تشریف
اشخاص پرهیزگار	پارسایان
شفاعت کننده	شفیع
جان، روح	روان

سپارشها:

معلم صاحب حمد را به قدر فهم شاگردان معنا نماید.
شاگردان در خانه دو بیت اول را سه بار در کتابچه های شان بنویسند.

اخلاق و صفات حضرت پیغمبر ﷺ

حضرت محمد ﷺ در اخلاق نیکو نظیر نداشت و تمام صفات خوب در وجود ایشان جمع بود.

برای رهنمایی مردم هر گونه رنج و زحمت را تحمل می کرد، در مهربانی و خوش رفتاری با کوچک و بزرگ بی مانند بود؛ با فقیران نشست و بر خاست میکرد و با آنها غذا میخورد.

یتیمان را نوازش و بیماران را عیادت مینمود و از دشمنان کینه در دل نمیگرفت؛ بلکه با نیکی و بخشش دشمنان را دوست و سرکشان را رام خود میساخت و لباس گران قیمت نمی پوشید با حیا و متواضع بود، هر قدر مقام ظاهری او بلندتر میرفت، بر فروتنی او افزود میشد و در تقدیم سلام بر کوچک و بزرگ پیشدستی میکرد؛ پیران و دانشمندان را بسیار حرمت مینمود؛ خشم خود را فرومیخورد، از غیبت و دروغگویی، سخن چینی، فریبکاری، ترشرویی، تکبر و گفتن کلمه های زشت بیزار بود.

همیشه از خداوند ﷻ میخواست که او را در کار خوب کمک کند و از کار بد باز دارد. این اخلاق و صفات نیک او بود که مردم به زودی به دین اسلام مشرف شدند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
مانند	نظیر
بردباری، برداشت	تحمل
مریض پرسی	عیادت
بی کبر	فروتن
زیاد شده	افزوده
قهر	خشم

سپارشها:

- معلم صاحب از شاگردان بپرسد که از این درس چه آموخته اند؟
 شاگردان جمله های زیر را در کتابچه های خود سه بار بنویسند:
- ۱- حضرت محمد ﷺ در اخلاق نیکو نظیر نداشت.
 - ۲- برای رهنمایی مردم هر گونه رنج و زحمت را تحمل میکرد.
 - ۳- حضرت محمد ﷺ با مقام بلندی که داشت، بسیار باحیا و متواضع بود.
 - ۴- حضرت محمد ﷺ با داشتن اخلاق نیک خود مردم را به دین اسلام مشرف ساخت.

پیروی از قرآن شریف

قرآن شریف کتاب خداوند ﷻ است. قرآن شریف از جانب خداوند ﷻ توسط حضرت جبرئیل ﷺ برای رهنمایی انسانها بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است. از جمله آیات قرآن شریف یکهزار آیت آن در اوامر و یکهزار آیت آن در نواهی آمده است.

همه مسلمانان وظیفه دارند و مأمور اند که از اوامر قرآن پیروی کنند و از نواهی، یعنی چیزهایی که منع قرار داده شده اند، پرهیز نمایند.

مثلاً: در قرآن کریم آمده است: اعمال صالحه و نیک عبارت از پیروی قرآن کریم و سنت حضرت رسول الله ﷺ میباشد. همچنین در قرآن کریم گفته شده است که با ظالم دوستی نکنیم و بدون حکم قرآن کریم، هیچ شخص را نکشیم. همینطور در قرآن کریم که قانون اسلامی میباشد و برای نجات بشر از ظلم و فساد از جانب خداوند بزرگ نازل گردیده است، امر شده که همه مسلمانان متحد باشند و از تفرقه بپرهیزند.

خلاصه وظیفه ما این است که تمام اوامر و نواهی قرآن کریم را بفهمیم و مطابق حکم قرآن عمل کنیم.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
واسطه، وسیله	توسط
چیزهای امر شده، جمع امر	اوامر
چیزهای منع شده، جمع نهی.	نواهی
امر شده، کسی که به اجرای کاری توظیف می گردد.	مأمور
نیکو و خوب	صالحه
باتفاق	متحد
جدایی، بی اتفاقی	تفرقه

سپارش:

معلم صاحب مطابق متن درس از شاگردان به ارتباط اوامر و نواهی معلومات بخواهد و در جواب دادن با ایشان کمک نماید.

کبوتر و مورچه

کبوتری مورچه یی را در آب دید، که این طرف و آن طرف دست و پا میزند، آب بسیار زیاد بود و نزدیک بود که مورچه در آب غرق شود. کبوتر یک برگ را از درخت گرفت و در آب انداخت. مورچه که برگ را روی آب دید، بسیار خوش شد و بر آن بالا شد. برگ آهسته، آهسته به روی آب حرکت کرد و به خشکه رسید. مورچه که به سلامت از آب برآمد با کبوتر رفیق شد.

یک روز مورچه یک شکاری را دید که میخواست کبوتر را شکار کند. مورچه به طرف شکاری رفته، پای شکاری را گزید. دست شکاری تکان خورد و تیرش به خطا رفت. کبوتر که متوجه شد پرید و رفت.

پرسش: پاداش، چیست؟

آب آشامیدنی

آب آشامیدنی باید پاک و صاف باشد. آب صاف را از رنگ، بوی و مزه آن می شناسیم. آبی که رنگ آن روشن باشد؛ بوی بد نداشته باشد و مزه آن خراب نباشد آب خوب و قابل نوشیدن است. آب جویهاییکه در آن لباس میشوند؛ خاک و کثافت را در آن می اندازند، برای نوشیدن خوب نیست، آب چشمه ها کاریزها و چاهها برای نوشیدن خوب است.

در جاهایی که نل آب موجود است، آب نل از هر آب دیگر بهتر و صافتر است. از نوشیدن آبهای ناپاک و آب جوی امراض پیدا میشود. اگر آب صاف در جایی پیدا نشود، آب را اول جوش دهید، بگذارید سرد شود، بعد بنوشید.

معنی

پاک

ناپاکی

لغت

صاف

کثافت

سپارش:

آب جویهاییکه در آن لباس می شویند، خاک و کثافت را در آن می اندازند، برای نوشیدن خوب نیست.

پرسشها:

- ۱- آب آشامیدنی باید چی نوع باشد؟
- ۲- از نوشیدن آبهای ناپاک چی پیدا میشود؟

نوبت را مراعات نماییم

روزی حمید برای گرفتن نان به نانوايي رفت. در آنجا يك تعداد مردم برای خریداری نان در صف ایستاده بودند. حمید هم پشت سر آنها در صف ایستاده شد، عده دیگری هم آمدند و هر کدام به نوبت نان می‌گرفت و میرفت تا نوبت به حمید رسید؛ درین هنگام يك نفر که تازه از راه رسیده بود، جلو آمد و خواست نوبت حمید را بگیرد. حمید خیلی ناراحت شد و گفت: برادر! بیخشید نوبت من است.

آن شخص گفت: من کار دارم و نمی‌توانم صبر کنم. حمید مؤدبانه گفت: من هم کار دارم. درین وقت نانوا و دیگران که در صف بودند، از حمید حمایت کردند و گفتند: اگر شما کار دارید، ما هم کار داریم، ولی هر کس پیشتر آمد، باید زودتر نان بگیرد.

شخص تازه وارد وقتی دید مردم درست می‌گویند، نوبت را به حمید داد و به آخر صف رفته، منتظر نوبت ایستاده شد.

سپارش:

شاگردان متن فوق را در کتابچه های خود بنویسند.

چیزی را که به خود نمی پسندی، به دیگران نیز میسند

حضرت رسول اکرم ﷺ به ما مسلمانان - که امت ایشان هستیم - فرموده اند: چیزی را که به خود نمی پسندید و روا نمیدارید، به دیگران هم میسندید و چیزی را که به خود میخواستید، به دیگران هم بخواهید.

اگر به این حدیث رسول الله ﷺ متوجه شوم، به این نتیجه میرسیم که همه فرموده های حضرت رسول اکرم ﷺ سبب خوشبختی، سعادت و دارای فایده های بس عظیم دنیوی و اخروی مسلمانان می باشد.

اگر هر فرد اجتماع مطابق به این فرموده حضرت پیغمبر اسلام ﷺ عمل کند، البته سعادت دایمی را نصیب می شود.

چون هیچ کس بی عدالتی و حق تلفی را در مورد خود قبول کرده نمی تواند، پس باید در برابر دیگران نیز بی عدالتی و حق تلفی نکند. همچنین کسی که غیبت، تهمت، کینه و خیانت دیگران را بر خود تحمل نمی کند، باید غیبت هیچ کس را نکند و بر کسی تهمت نبندد و با کسی کینه نگیرد و خیانت نکند.

خوشا به حال کسانی که به فرموده های ارزشمند حضرت پیغمبر ﷺ عمل می کنند و به اثر آن حق تلفی، بی عدالتی و دشمنی ها را از بین می برند و از قتل ناحق و خونریزیهای بیمورد اجتناب و سعادت دو جهان را کمایی می کنند.

معنی

بزرگ

مربوط به آخرت

دنیایی

قیمتدار

لغت

عظیم

اخروی

دنیوی

ارزشمند

سپارش:

معلم صاحب از شاگردان بپرسد که در این درس چه آموختند.

علم و دانش

گردل نهی ای پسر بدین پند

از پند پدر شوی برومند

غافل منشین نه وقت بازیست

وقت هنر است و کار سازیست

دانش طلب و بزرگی آموز

تا به نگرند روزت از روز

میکوش به هر ورق که خوانی

تا جمله مطالبش بدانی

هر چیز که دل بدان گراید

گر جهد کنی به دست آید

گفتن زمن از تو کار بستن

بیکار نمی توان نشستن

نظامی رحمه الله علیه

لغت

معنی

بگذاری، عمل کنی، از مصدر نهادن	نهی
نصیحت	پند
با ثمر، کامیاب، قوی	برومند
بیخبر	غافل
چاره جویی	کارسازی
یادبگیر (امر است)	آموز
بینند	نگرند
مطلبها	مطالب
میل کند	گراید
سعی و کوشش	جهد
عمل کردن	کار بستن

سپارش:

معلم صاحب معنای نظم را برای شاگردان به زبان ساده بیان کند.

کتاب



دانشی که ما امروز از آن بهره مند میشویم، نتیجه کوششهای گذشته گان است که در طول سالیان دراز در هر کشور اشخاصی پیدا شده و چیزهای تازه به وجود آورده اند. چنانکه در علم طب، دواسازی، ساینس و غیره علوم کوششهای فراوان کرده اند و چیزهایی را در کتابها تحریر نموده اند.

اگر کتاب نمی بود تمام علوم پس از مدتی به دست فراموشی سپرده میشد. امروز ما به وسیله کتاب از حاصل کوششهای بی شماری از دانشمندان آگاهی مییابیم.

کتاب دوست و مونس اوقات تنهایی ماست. از برکت کتاب و راهنمایی استادان گرانقدر است که صاحب علم و فضل شدیم و میشویم و از تمام مسایل دینی و دنیوی باخبر می گردیم.

ما باید به مطالعه کتابهای اسلامی شوق بسیار داشته باشیم و از آنها استفاده کنیم، تا سعادت دو جهان را کمایی نماییم. ما باید کتابهای خود را دوست داشته باشیم و آنها خوب نگهداری کنیم تا پاره و خراب نشوند.

همنشینی به از کتاب مخواه
که مصاحب بود گه و بیگانه
این چنین همدم لطیف که دید
که نرنجید وهم نرنجانید

لغت

<u>معنی</u>	
همدم و رفیق	مونس
بلند مرتبه	گرانقدر
همصحبت	مصاحب
وقت و نا وقت	گه و بیگه
همصحبت	همدم
مهربان، نرم	لطیف

پرسشها:

- ۱- ما چرا کتاب میخوانیم؟
- ۲- ما اولتر باید کدام کتابها را مطالعه نماییم؟

سپارش:

- ۱- ابیاتی را که راجع به کتاب خوانده اید، حفظ نمایید.

گفتاری از حضرت پیغمبر ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ فرموده اند: سبب دخول شما در بهشت ایمان است. ایمان شما زمانی ثابت میشود که یک دیگر را دوست بدارید. من شما را به عملی رهنمایی میکنم که باعث دوستی در میان شما میگردد و آن عبارت از سلام دادن است.

در بین شما آن کس نیک و خوب است که از قرآن کریم بیا موزد و مردم را رهنمایی کند.

کسی که از حق برادر خود در غیاب او دفاع میکند، خداوند ﷻ از آتش دوزخ او را نجات میدهد.

گفتار کسی که مخالف امر خداوند ﷻ باشد، قابل قبول نیست.

لغت

معنی

دفاع	دفع اذیت و ضرر
مجازات	جزا دادن
شدید	سخت
بهشت	جنت

پرسشها:

- ۱- نظر به فرموده حضرت رسول اکرم ﷺ سبب دخول بهشت چیست؟
- ۲- در بین انسانها خوبترین اشخاص کدامها اند؟

غزوة بدر

وقتی که مسلمانان به مدینه منوره هجرت کردند، دین اسلام در آن جا انتشار یافته قوی گردید. کفار مکه مکرمه مخالفت و ضدیت خود را علیه مسلمانان اظهار نمودند و آماده جنگ با مردم مسلمان مدینه منوره شدند.

حضرت رسول الله ﷺ مسلمانان را آماده جنگ با کفار نمود و به آنها فرمودند که حالت آماده باش را به خود بگیرند تا اگر کفار به مدینه منوره حمله کردند، حمله آنها را دفع نمایند.

در ماه مبارک رمضان سال دوم هجری حضرت محمد ﷺ اطلاع یافت که قافله ای از مردم مکه از شام مراجعت می کند.

رسول الله ﷺ با سه صد نفر از مدینه منوره حرکت نمود و در نزدیکی چاهی که بدر نامیده میشد، موضع گرفتند.

کفار در مکه خبر شدند که رسول خدا ﷺ با یارانش به بدر رفته اند، از این رو آنها هزار نفر پیاده و صد سوار آماده و برای جنگ با مسلمانان به سوی بدر فرستادند.

وقتی که جنگ در گرفت مسلمانان پیروز شدند، در حالی که تعداد آنها کمتر از کفار بود. مسلمانان با ایمان قوی در راه خدا ﷺ جنگ میکردند، در حالی که کفار هر یک برای حفظ مال و تجارت خود می جنگیدند.

مسلمانان از جنگ بدر با غنایم زیاد و اسیران بسیار باز گشتند.

لغت

معنی

غزوه:

بدر:

جنگی که خود حضرت محمد ﷺ در آن شامل بوده اند.
نام جایی که در نزدیکی آن حضرت پیغمبر ﷺ در ماه مبارک
رمضان در سال دوم هجری با کفار جنگ کردند و فاتح شدند.

شام:

غنائم:

اسیران:

سوریه امروزی

مالهایی که در جنگ از کفار بدست آید.

اشخاصی که در جنگ با کفار به دست مسلمانان گرفتار گردند.

پرسش:

در حالی که تعداد مسلمانان بسیار کم بود، چگونه در جنگ بدر بر کافران
غالب آمدند؟

نصیحت

چو در نیکی رضای کردگار است
به از نیکی نگه کن تا چه کار است
به لطف و مرحمت دلها نگهدار
کس از دست و زبان خود میازار
بیاموز آنچه دریایی تو زنهار
که کس را نیست از آموختن عار
به شاگردی هر آنکو شاد گردد
بود روزی که هم استاد گردد

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
خوشنودی	رضا
یادبگیر	بیاموز
خداوند ﷻ	کردگار
هوشدار، آگاه باش	زنهار
مهربانی	مرحمت
یاد گرفتن	آموختن

سپارش:

۱. معلم صاحب مفهوم و معنای ابیات فوق را به شاگردان بفهماند و به نیکی و نیکو کاری شاگردان را تشویق کند.

احترام معلم

هارون الرشید خلیفه بزرگ عباسی دو پسر داشت که نام یکی امین و از دیگری مامون بود. این دو شهزاده نزد معلمی، که به نام کسایی مشهور بود، درس میخواندند. روزها که معلم از اتاق درس برمیخاست، امین و مامون هر دو برای احترام به طرف وی میدویدند و هر یک از آن دو میخواست، در گذاشتن کفش معلم بر دیگری پیشی جوید. عاقبت میان خود طوری فیصله کردند که یک کفش را امین و کفش دیگر را مامون پیش پای استاد بگذارد.

گویند روزی هارون از وزراء و بزرگان دولت خویش پرسید: امروز محترم ترین و بزرگترین شخص در نظر شما کیست؟ تمام شان خلیفه را نام بردند اما خود خلیفه گفت: محترم ترین شخص کسی است که شاهزاده ها پیش پای او کفش میگذارند. مقصودش کسایی معلم بود.

ای کودک دانش طلب عاقبت اندیش

این پند پیاموز که گویند حکیمان

مقدار معلم ز پدربیش بود بیش

کین پرورش تن دهد آن پرورش جان

نامهٔ پسر برای پدر

پدر بزرگوار و مهربانم، السلام علیکم.

نخست از همه صحتمندی وجود مبارک شما، مادر محترم و فامیل شریف را از خداوند پاک ﷻ آرزومندم و از خداوند ﷻ میخواهم که سعادت هر دو دنیا نصیب تان گردد.

نامهٔ پر از محبت شما برایم رسید. آن را مطالعه نمودم و نصایح سودمند شما را که سبب کامیابی دنیا و آخرتم بود، به ذهن سپردم. ان شاء الله به آن عمل می نمایم. من هر روز پنج وقت نماز خود را در مسجد به جماعت اداء می کنم و درس های خود را همیشه مطابق به تقسیم اوقات می خوانم و به فضل خداوند ﷻ و برکت دعای شما در امتحان چهارنیم ماهه به درجهٔ اول کامیاب شده ام. از طرف من به کلی خاطر جمع باشید.

بااحترام

فرزند خدمتگار شما

حاتم طایی و خارکن

حاتم طایی را گفتند: از خود بزرگ همت تر در جهان دیده یا شنیده ای؟ گفت: بلی، روزی چهل شتر برای امیران و بزرگان عرب قربانی کرده بودم و در همان روز نسبت ضرورت به صحرا رفتم، خارکنی را دیدم که یک پشتارهٔ خار را جمع کرده بود، برایش گفتم: چرا به مهمانی حاتم نرفتی که همهٔ مردم به دسترخوان او جمع شده اند؟ خارکن گفت:

هر که نان از عمل خویش خورد منت حاتم طایی نبرد
من او را به همت وجوانمردی از خود برتر دیدم.

امانتداری

امانتداری و امانت را به اهل آن سپردن بر هر فرد مسلمان فرض است. پیشوای عالم اسلام حضرت محمد مصطفی^ﷺ در امانتداری آن قدر مشهور بودند که حتی قبل از پیغمبر شدن و در زمان طفلی آن حضرت را به نام (امین) یاد میکردند.

چون ما امت و پیرو حضرت محمد^ﷺ میباشیم باید سعی و کوشش زیاد نماییم تا در امانت خیانت نکنیم که خیانت در امانت علامه منافقت است. مهمترین امانت برای هر فرد مسلمان دین مقدس اسلام است. پس بر همه مسلمانان لازم است که مطابق اوامر اسلام عزیز رفتار و کردار نمایند. اسلام امر می نماید که همه مسلمانان با هم برادر و یک وجود اند. اگر کسی در بین شان نفاق می افکند و مسلمانان را متفرق و پراکنده می سازد، خیانت بسیار بزرگی را انجام داده است.

همچنین وظیفه یی که از طرف مقام رسمی و یا دینی به ما داده می شود، امانت مهمی است که ما باید در انجام آن خیانت نکنیم. یعنی هر کس وظیفه یی که دارد، کوچک است یا بزرگ در ادای آن جدوجهد کند و آن را طوری اجرا نماید که فایده آن به همه مسلمانان برسد.

<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
پیشوا	رهبر
امین	امانتکار
منافقت	دو رویی

سپارش:

معلم صاحب به شاگردان فرصت دهد که بین خود راجع به امانتداری سوال و جواب نمایند.

حضرت عمر فاروق ؓ

حضرت عمر فاروق ؓ سیزده سال بعد از ولادت حضرت پیغمبر اسلام ؐ در مکه مکرمه چشم به دنیا گشودند، و در سن ۲۷ ساله گی به اسلام مشرف شدند. در پیشرفت و ترقی دین اسلام سعی زیاد نمودند.

حضرت عمر فاروق ؓ از صفات حمیده و اخلاق پسندیده برخوردار و در شجاعت و عدالت بیمانند بودند و نزد حضرت پیغمبر ؐ مقام بزرگی داشتند. با وجود این همه اوصاف نیک، زنده گی شان خیلی ها ساده و غریبانه بود و در لباس ایشان گاهی بیشتر از دوازده پیوند هم دیده شده است ولی قیصر روم و خسرو ایران از هیبت و جلال ایشان لرزه بر اندام داشتند.

اصول عدالت را هیچ گاه فراموش نمی کردند. شاه و گدا، خویش و بیگانه به نظر شان یکسان بودند. دادگستری و امانتداری شان به حدی بود که از بیت المال بی اجازه دیگران هرگز استفاده نکرده اند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
خزانه مسلمانان	بیت المال
عدالت گستری	دادگستری
برابری	عدالت
دلاوری	شجاعت

پرسشها:

- ۱- حضرت عمر ؓ چه وقت به دنیا آمد؟
- ۲- زنده گی حضرت عمر ؓ چطور میگذشت؟
- ۳- حضرت عمر ؓ چه قسم لباس می پوشید؟

حکایت

فاطمه و خدیجه در باغچه حویلی خود گل کاشته بودند. آنها یک روز متوجه شدند که گلها هر روز پژمرده میشوند. فاطمه برادر خود منصور را صدا کرد و برایش گفت: منصور جان من و خدیجه هر روز گل ها را آب میدهیم، چرا گلها خشک و خراب شده اند؟ منصور در بین گلها داخل شد و دید که کرمهای بسیار کوچک ساقه گلها را میخورد. منصور خواهانش را صدا زد و برای آنها گفت شما باید این کرمها را از بین ببرید.

فاطمه و خدیجه گفتند چگونه میتوانیم آنها را از بین ببریم؟ منصور گفت که توسط شعاع آفتاب. آنگاه بیخ گلها را نرم کرد که آفتاب در بین خاک بتابد، بعد از چند روز گلها دوباره تازه شدند.

پرسشها:

- ۱- فاطمه و خدیجه در باغچه حویلی خود چی کاشته بودند؟
- ۲- چرا گلها خشک و خراب شده اند؟

آهنگر

ناصر از بازار آهنگری میگذشت، تابستان بود. آهنگری را دید که در هوای بسیار گرم کنار کوره آهنگری مشغول کار بود و عرق از سر و رویش میچکید ناصر به او گفت: چرا در این هوای گرم کار بسیار میکنی و خود را تکلیف میدهی؟

آهنگر گفت: برادرم انسان باید زحمت بکشد، تا محتاج کس نشود و بتواند روزی حلال به دست آورد و زنده گی خود را آبرومند بسازد و به ناداران کمک نماید.

سپارشها:

- ۱- در مورد کار و روزی حلال توضیحات ارائه شود.
- ۲- شاگردان خلاصه مطلب فوق را به زبان خود بیان کنند.

پسر عزیز

هان ای پسر عزیز دلبنده
بشنو ز پدر نصیحتی چند
می باش به عمر خود سحر خیز
وز خواب سحر گهان بپرهیز
از یاد مبر تو شست و شو را
پاکیزه بشوی دست و رو را
چون با ادب و تمیز باشی
نزد همه کس عزیز باشی
با مادر خویش مهربان باش
آماده خدمتش به جان باش
با چشم ادب نگر پدر را
از گفته او مپیچ سر را
چون این دو شوند از تو خرسند
خرسند شود ز تو خداوند ﷺ

ایرج میرزا

لغت

معنی

هان	باخبر! هشدار!
دلبنده	عزیز
مپیچ سر را	نافرمانی مکن
خرسند	خوش
تمیز	پاک

سپارش:

معلم صاحب معنای نظم را به شاگردان بفهماند.

فصل بهار

بهار خوشنماترین موسم سال است، در هر جا و هر چیز تازه گی دیده میشود. گلها و سبزه ها از نو تازه میگرددند. پروانه ها، زنبورها و پرنده گان از خواب زمستانی بیدار میشوند و به گشت و گذار و آواز خوانی شروع میکنند. باغها، با شگوفه ها و گلهای خوشبوی بهاری خوشنما میشوند. کشتزارها و گلهای خود رو، زیبا به نظر میرسند. در دشت و صحرا هوای لطیف ونسیم خوش میوزد.

در هر گوشه و کنار زنده گی و سرور دیده میشود. صدای آب جویها، دریاها، وزش باد خوشگوار، شرشر درختان، نغمه پرنده گان، صدای آبشار، اینها همه انسان را خوش میسازد و او را قوت می بخشد و به کار تشویق میکند. دهقانان با بیل و قلمبه جانب کشتزارها روان میشوند. چوپانهای با هوش رمه های گوسفند و بز را به سوی چراگاههای شاداب میبرند، یعنی همه خوش و خندان هستند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
آرایش	زینت
تروتازه	شاداب
نازک	لطیف
به شوق آوردن	تشویق
آواز خوش	خوشگوار

پرسشها:

- ۱- در بهار دهقانان کجا میروند؟
- ۲- در بهار چه چیزها میرویند؟
- ۳- چه چیز انسان را به کار تشویق میکند؟

نوت: شاگردان خوبیهای بهار را به زبان خود بگویند.

شجاعت

شجاعت و دلیری تنها به معنای نترسیدن نیست؛ بلکه شجاعت آن است که همیشه از حق و حقیقت پشتیبانی شود و سخنان حق، بدون ترس و بدون پرده پوشی در مقابل فرد یا افراد اظهار گردد.

شجاعت آن است که انسان در برابر حوادث، مشکلات و رنجها پایداری و ایستاده گی کند. هیچ وقت در برابر ظلم و فساد تسلیم نشود؛ اما اگر کسی به قتل و غارت مال مسلمانان دست میزند و افعال و حرکات غیر اسلامی انجام میدهد، آن شخص شجاع نیست؛ بلکه جاهل و بی دانش است. مردم مسلمان افغانستان بهترین نمونه شجاعت را در دنیا به یادگار گذاشتند با وصف نداشتن قدرت نظامی برای حفظ و ترقی دین و دفاع از وطن و ناموس خود از همه چیز گذشتند و در برابر ظلم متجاوزان و پیروان آن تسلیم نشدند و باشجاعت کامل قدرت های بزرگ متجاوز را به شکست مواجه ساختند.

<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
شجاعت	دلآوری
اظهار	ظاهر کردن
حوادث	واقعه ها
غارت	چپاول
شجاع	مرد دلآور
یادگار	نشانی، نشانه
مواجه	روبرو

سپارش:

معلم صاحب مفهوم شجاعت را به شاگردان بفهماند.

مال حرام

اسد الله متعلم صنف چهارم مکتب بود یک روز بایک تعداد از همصنفان خود بعد از فراغت درس به طرف خانه روان شد.

درکناره راه باغها و اشجار میوه دار وجود داشت. هوا بسیار گرم و خانه های شان خیلی دور بود.

یکی از همصنفان اسد الله گفت: "بیایید در این جا زیر سایه درختان ساعتی بنشینیم تا مانده گی و خسته گی ما رفع شود." همه قبول نمودند و نشستند. بعد از گذشت چند دقیقه سیبهایی که درباغ موجود بود، توجه همصنفان اسدالله را به خود جلب کرد و یکی از آنها گفت: "در این باغ میوه ها بسیار زیاد اند و ما همه گرسنه و تشنه شده ایم. بیایید که باسنگها به شاخهای درختان بزنییم و سیبهایی که می افتد، بین هم تقسیم نماییم".

اسدالله که یک شاگرد خیلی ذکی و هوشیار بود. گفت: "برادران آنچه این برادر ما پیشنهاد کرد از نگاه اسلام گناه بزرگ است: زیرا دین مقدس اسلام گرفتن مال دیگران را بدون اجازه صاحب آن حرام دانسته است. این عمل را اگر انجام بدهیم، چند نقص دارد:

۱- دست بردن به مال مردم از طرف خداوند ﷻ منع شده است اگر کسی حرام میخورد و از دستور اسلام پیروی نمی کند مستحق مجازات خداوند ﷻ میگردد.

۲- اگر با سنگ به شاخ درخت بزنییم، شاخچه های درخت با سیبها میریزند و باعث از بین رفتن آن میگردد.

۳- سیبهایی که می افتند؛ به شدت به زمین میخورند و با مکروبهای روی زمین آلوده میشوند که اگر خورده شوند، خدای ناخواسته باعث مریضی میگردد.

پس به این نتیجه میرسیم که هر عمل که سبب نافرمانی خداوند ﷻ میگردد، باید از آن صرف نظر شود. همه گفتند راست میگوی، اسدالله جان اگر بسیار گرسنه هم باشیم مال مردم را بدون اجازه باید نخوریم. همه این نظر را قبول کردند و به طرف خانه های خود روان شدند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
آسوده گی و آسایش	فراغت
درختان	اشجار
دور شدن (اصلاً به معنای بلند شدن)	رفع
هوشیار	ذکی
قاعده وقانون	دستور
لایق وسزاوار	مستحق
جزا دادن	مجازات

پرسشها:

- ۱- مال حلال و حرام ازهم چه فرق دارند؟
- ۲- اسدالله که همصنفانش را از خوردن سیب منع نمود، کار خوب کرد یا بد؟
- ۳- بچه هایی که به کوچه ها و باغها سنگ اندازی میکنند، به نظر شما چگونه میباشند؟

صلح و آشتی

بشنو عزیز من که عجب گفته نکوست

این گفته را عمل بنما گنج اندروست

نیکی بکن به مردم و از دشمنی گریز

دشمن زنیکویی شودت ای عزیز دوست

دست غریب و بیوه و بیچاره را بگیر

برهان یتیم غرقه که اش آب تا گلوست

در کار صلح و خدمت مردم بکوش هان

کردار صلح جان من از کرده ها نکوست

ویرانی و تباهی و مرگ است بار جنگ

صلح است و آشتی که بر سودمند ازوست

جنگ است کینه و حسد و بغض کار دیو

میجوی راه صلح که امر خدا ^ﷻ هموست

امر خدا بگیر و به راه خدا برو

رحم خدا بروست هر آنکس که صلحجوست

شکور

معنی

آشتی

فایده مند

کینه و دشمنی

لغت

صلح

سودمند

بغض



۱۶ جوزا ۱۳۸۱
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

آزادی و حق زنده گی

روزی پسر عمر و بن عاص (رض) یکی از والیان زمان حضرت عمر (رض) با مردی از قبلی های مصر در دویدن مسابقه نمود، مرد مصری از وی پیشی جست؛ ولی پسر عمر و بن عاص (رض) با دره دست داشته خود، وی را مورد ضرب قرار داده می گفت: "من پسر بهترین ها هستم". مرد مصری برای شکایت به مدینه منوره نزد حضرت عمر (رض) آمد و از ظلمی که بالای وی توسط پسر والی مصر صورت گرفته بود شکایت نمود. حضرت عمر (رض) طی نامه ای از عمر و بن عاص (رض) خواست تا با پسرش به مدینه منوره بیاید. عمر و بن عاص (رض) با پسرش نزد حضرت عمر (رض) حضور یافتند، حضرت عمر (رض) دره ای را به دست مصری گذاشت و گفت: "بزن پسر بهترین ها را" مرد مصری پسر عمر و بن عاص را با دره زد و بعد از آنکه او متوقف شد، حضرت عمر (رض) خطاب به پسر عمر و بن عاص (رض) گفت: "از چه زمانی مردم را برده ساخته اید در حالی که مادران شان آنها را آزاد به دنیا آورده اند"



۱۶ جوزا ۱۳۸۱
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

آزادی یک هدیه الهی است؛ پس باید به آزادی و کرامت انسانی همدیگر احترام بگذاریم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است، دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

(ماده بیست و چهارم قانون اساسی افغانستان)

هر کس حق زنده گی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

(ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر)

حفاظت دندانها

بسیاری از مردم حفاظت دندانها را در نظر نمی گیرند سالم نگهداشتن آنها را مهم نمیدانند از این سبب دندانهای شان به زودی خراب میشود. به خاطری که دندانهای ما همیشه سالم بمانند و خراب نشوند، باید در طفلی به شستن دندانها، خود را عادت بدهیم و کوشش نماییم که هر روز در وقت وضو استعمال مسواک را فراموش نکنیم تا دهان ما بد بوی نگردد و دندانها خراب نشوند.

همین طور بعد از خوردن غذا ریزه های طعام دربین دندانهای ما باقی میماند که سبب خرابی دندانها میگردد. پس لازم است بعد از خوردن غذا دندانهای خود را بشوییم. اگر ما دندانهای خود را محافظت نکنیم، به واسطه خرابی دندانها امراض گوناگون در بدن ما پیدا میشود.

ناگفته نباید گذاشت که یکی از عوامل خرابی دندانها گرم و سرد شدن میباشد، یعنی اگر غذای نهایت گرم بخوریم و متصل آن آب بسیار سرد بنوشیم و یا متصل نوشیدن آب سرد غذای گرم بخوریم، در این صورت دندانهای ما به زودی خراب میشود.

چیز دیگری که سبب خرابی دندانها میشود شکستادن چیزهای سخت است. اکثر اطفال عادت دارند خسته، بادام وغیره چیزها را با دندانهای خود بشکنند، این کار به دندانها ضرر میرساند.

یکی دیگر از عوامل خرابی دندانها کاویدن آنها توسط چوبک و سوزن و چیزهای فلزی دیگر میباشد که رفته، رفته به سبب آن دندانها خراب میشوند وجلای آنها از بین میرود.

اگر به عوامل خرابی دندانها بی اعتنایی کنیم و غفلت نماییم، دندانها خراب میشوند و قدرت جویدن غذا را از دست میدهند. سرانجام غذای ناجویده داخل معده میشود و سبب پیچش و امراض گوناگون میگردد.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نگهبانی	حفاظت
جور، سلامت	سالم
رنگارنگ	گوناگون
سببها	عوامل
پیوست	متصل
آهنی	فلزی
بی پروایی	بی اعتنایی
واسطه، به واسطه	توسط

سپارش:

معلم صاحب شاگردان را به حفاظت دندانها تشویق نماید ووظیفه دهد که شاگردان عوامل خرابی دندانها را در کتابچه های خود بنویسند و حفظ نمایند.

اتحاد

پیر مرد جهان‌دیده و با تجربه‌ی چندین پسر داشت که با یکدیگر اختلاف داشتند و بر سر هر چیزی دعوا میکردند.

پدر هر قدر برای وحدت پسران سعی میکرد نتیجه‌ی نمیگرفت. پیر مرد روزی یک کیسه‌ی پول و یک دسته‌ی چوب را به دست گرفت و فرزندان را خواست و به آنان گفت: "هر کدام از شما، که این دسته‌ی چوب را بشکند کیسه‌ی پول مال اوست."

هر یک از پسران برای شکستن دسته‌ی چوب کوشش فراوان کرد؛ ولی با آنکه همه‌ی آنها زورمند بودند دسته‌ی چوب را شکستاده نتوانستند. پدر گفت: "این کار آسان بود؛ ولی راه آن را ندانستید." خود پیش آمد، دسته‌ی چوب را گرفت و رشته‌ی دور آن را باز نمود و چوبها را یک یک بشکست.

آن گاه رو به فرزندان کرد و گفت: "عزیزان من! دیدید که چوبها تا وقتی باهم بسته بودند، هیچ یک از شما باهمه زورمندی که داشتید، نتوانستید آنها را بشکنید، اما همین که چوبها ازهم جدا شدند من ضعیف، آنها را شکستاندم."

پدر به فرزندان گفت شما تا وقتی که مانند دسته‌ی چوب متحد باشید، در زنده‌گی شکست نمی‌خورید؛ اما اگر اتحاد نداشتید و از یکدیگر جدا شدید، دشمنان بر شما غالب خواهند شد. تدبیر پدر دانا بالای پسران تأثیر کرد و تا اخیر عمر باهم متحد ماندند و خانواده‌ی خود را نیکبخت ساختند.

لغت

معنی

وحدت یگانه گی، یکی بودن

متحد باتفاق، یکجا بودن

تدبیر چاره جویی

سپارش:

معلم صاحب در باره فایده اتفاق و ضرر بی اتفاقی از شاگردان پرسشها به عمل آورد و در ارائه جواب به آنها کمک کند.

پند

به بازوان توانا و قوت سر دست

خطاست پنجه مسکین نا توان بشکست

نترسد آنکه برافتاده گان نبخشاید

که گر ز پای در آید کسش نگیرد دست

هر آنکه تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت

دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست

ز گوش هوش برون آر و داد خلق بده

که گر تو می ندهی داد روزی دادی هست

X X X

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بیغمی

نشاید که نامت نهند آدمی

گلستان سعدی

معنی	لغت
بی‌هوده	۱- بی‌هده:
ناحق	۲- باطل:
عدل و انصاف	۳- داد:
روز پرسیان	۴- روز داد:
درد و رنج	۵- محنت:

کارخانه گی:

در باره مفهوم بیت ششم یک مقاله بنویسید که از پنج سطر

کم نباشد.

دعوت نامه ختم قرآن کریم

دوست بی نهایت مهربانم محترم.....!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

ساعت ----- روز ----- مورخ ----- مجلسی

بخاطر ختم قرآن عظیم الشأن ترتیب می دهیم.

از شما آرزومندم که قبول زحمت فرمایید و با تشریف آوری خود ما را ممنون سازید.

بااحترام

از طرف

آدرس:.....

سپارش: معلم صاحب دعوت نامه فوق را بالای شاگردان بنویسد و شاگردان آنرا حفظ نمایند.

افغانستان

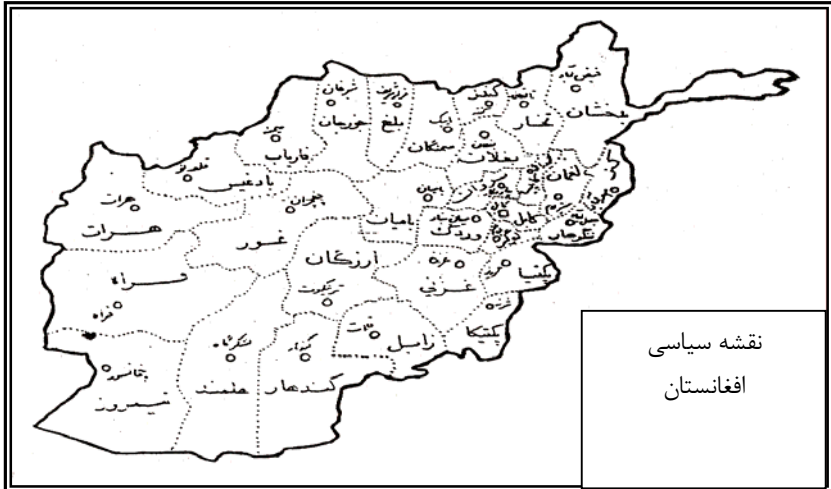
دین اسلام در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه به این سرزمین رسیده

است.

وطن عزیز ما افغانستان یک کشور اسلامی است.

کشور ما در براعظم آسیا موقعیت دارد و دارای کوه های سر به فلک

کشیده و دریا های خروشان می باشد. آب و هوای آن معتدل و خوشگوار است.



مردم این کشور بیشتر به زراعت و مالداري مشغول اند، پيداوار زراعتی

آن اقسام غله و میوه های گوناگون است و معادن زیاد دارد.

افغانها درسهای شجاعت، صداقت، برادری و اتحاد را از دین مقدس اسلام

و اجداد خود آموخته اند. این مردم که به دلاوری شهرت دارند. هیچ گاه زیر

دستی بیگانه را قبول نکرده ند. در مقابل حملات تجاوزگران ایستاده گی نموده آنها را هر زمان به شکست روبرو ساخته اند.

اولاد این سرزمین وظیفه خود میدانند که از دین و خاک خود حفاظت نمایند و در آبادی وطن کوشا باشند.

معنی

لغت

نه گرم نه سرد	معتدل
قسم قسم	گونا گون
باغیرت	غیور
پدر کلانها	نیاکان
سرگرم	مشغول

مثلها

- ۱- سالی که نیکوست، از بهارش پیداست.
- ۲- مار گزیده از ریسمان دراز میترسد.
- ۳- آمدن به ارادت، رفتن به اجازت.
- ۴- نامش کلان و دهش ویران.
- ۵- آدم خوش معامله شریک مال مردم است.
- ۶- آشپز که دو تاشد، آش یا شور میشود یابی نمک.



چو میبینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشینی گناه است

تونیکی میکن و در دجله انداز

که ایزد در بیابانت دهد باز

سعدی

معنی

دریای بزرگ عراق

قریه

خداوند ﷻ

قصد، میل

لغت

دجله

ده

ایزد

ارادت

سپارش:

معلم صاحب مثلها را بعد از تشریح بالای شاگردان حفظ نماید و از طریق سوال و جواب آنها را تکرار کند.

پند

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است
مزن برسر ناتوان دست زور
که روزی در افتی به پایش چو مور
گرفتم ز تو ناتوانتر بسیست
توانا تر از تو هم آخر کسیست
خدا را بر آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش در آسایش است
سعدی

لغت

معنی

باد	باشد
تربت	خاک
بخشایش	عفو
گرفتم	فرض کردم
پاکزاد	پاکزاده و نجیب
میازار	آزار مده

سپارشها:

معلم صاحب نظم فوق را نظر به سویه شاگردان نشر بسازد و هم مفهوم آن را بالای شان تکرار کند. نظم فوق را شاگردان حفظ نمایند.

سبزیها



سبزیها از جمله نعمتهای بزرگ خداوند* است که بعضی از آنها به قسم طبیعی یعنی خود رو در باغها، دشتهای، دامنه های کوهها میرویند بعضی از آنها را انسان ها زرع مینمایند.

سبزیها اقسام زیاد دارند؛ مثلاً: بادنجان

رومی، پیاز، گندنه، کچالو، ترایی، کدو، کرم، گلپی، زردک، گشنیز، بادرنگ، تره، تراتیزک، مرچ، بادنجان سیاه، پالک، شلغم وغیره.

بعضی ازین سبزیها، که خام خورده میشوند، باید قبل از خوردن در بین پتاشیم پرمگنیت و یا محلول نمک حد اقل ده دقیقه گذاشته شوند. بعد با آب پاک خوب شسته شوند تا مکروبهایی که به روی آنها موجود اند از بین بروند.

در صورت عدم شستن صحیح سبزیها امراض مختلفه مثل: اسهال، پیچش و غیره به وجود خواهد آمد.

همچنین دیده شده است که در معدۀ اطفال و جوانان کرمها پیدا میشوند و علت پیدایش اصلی آنها خوردن سبزیها و میوه های ناشسته میباشد.

سبزیهایی که پخته میشوند؛ مثل: شلغم، کچالو، بادنجان سیاه، بامیه و پالک، دارای مواد معدنی، نمکها و ویتامینهای زیاد میباشد که برای وجود انسانها بسیار مفید اند. چون در وطن عزیز ما افغانستان سبزیها زیاد پیدا میشوند، طریق استفاده از آنها را نباید فراموش کنیم.

سپارش:

- ۱- معلم صاحب در مورد ویتامینها معلومات دهد و به شاگردان بفهماند که بیشتر ویتامینها در سبزیها پیدا میشوند و هم در بارهٔ مکروبها به شاگردان معلومات بدهد.
- ۲- شاگردان نام سبزیهایی را که خام خورده میشوند و نام سبزیهایی را که پخته خورده میشوند، جدا، جدا در کتابچه‌های خود بنویسند.
- ۳- امراضی را که از خوردن میوه‌ها و سبزیهای ناشسته به وجود می‌آید، نام ببرند.

طوطی



شخصی یک طوطی داشت آن را برای فروختن به بازار برد، مردم دور او جمع شدند و خواهش خریدن طوطی را نمودند.

آخر صاحبش طوطی را به چهل افغانی فروخت. یک مرد ساده خرید و فروش طوطی را دیده زود به خانه خود رفت و فیلمرغی را که در خانه داشت زیر بغل گرفت و از خانه برآمد. دکانداری که در آن نزدیکی دکان داشت او را دید و پرسید پدر، این فیلمرغ را میفروشی؟ مرد ساده که هنوز فرق طوطی و

فیلمرغ را به خوبی نمیدانست دستی بر پشت فیلمرغ خود کشیده گفت: بلی میفروشم؛ ولی قیمت آن از دو صد افغانی کم نیست، دکاندار از شنیدن این سخن به فکر افتاده و به خنده گفت: پدر هوش خود را به سرت بگیر و فکر کن که فیلمرغ را کسی به دو صد افغانی میخرد؟ او گفت: پیشتر ندیدید که یک پرنده کوچک را به چهل افغانی خریدند.

دکاندار به جواب او گفت: پرنده بی که پیشتر فروخته شد طوطی نام دارد.

طوطی سخن یاد میگیرد، گپ میزند هر کسی را خوش
 میسازد، بگو که فیلمرغ تو چه هنر دارد؟ آن شخص خندیده
 و آهسته گفت: نمی بینید که
 مرغ من مثل ما و شما فکر میکند.



لغت

ساده

فروش

هنر

سخن

فکر

معنی

بی آرایش، بی فکر

چیزی را به کسی دادن و پول آن را گرفتن

پیشه، فن

بیان گفتار

اندیشه

پرسشها:

- ۱- طوطی را به چند افغانی فروخت؟
- ۲- چرا مرد ساده فیلمرغ را دو صد افغانی قیمت کرد؟
- ۳- علت خنده دکاندار چی بود؟

گل لاله

وقتی که بهار میشود در دشتهای و دامنه های گل‌های خوشرنگ لاله در زمین میرویند. این گلها سرخ و زرد میباشند. لاله ساقه باریک و مقبول دارد. برگهای خوشرنگ لاله از هم جدا میباشند. باد بهار بر برگهای لاله میوزد و گل‌های لاله را تکان میدهد.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
دامن یا کناره چیزی	دامنه
عضو استوانه شکل گیاه که در هوا به سمت بالا نمو میکند.	ساقه
قبول شده، زیبا	مقبول
حرکت میکند، حرکت باد یانسیم.	می وزد

سپارشها:

شاگردان خالیگاههای داده شده را پر نمایند:

- ۱- وقتی که..... میشود در..... ها و دامنه ها..... های خوشرنگ..... در..... میروید.
- ۲- لاله..... باریک و..... دارد.

دو رسام

دو رسام به یکدیگر گفتند که بیا من و تو هر دو تصویر بکشیم ببینیم که کدام ما بهتر میکشیم. رسام اولی یک خوشه انگور کشیده و آن را بالای دروازه‌یی آویخت. چون مانند اصل بود گنجشکها آمده بر آن نول میزدند. مردم نیز گمان میبردند که راستی انگور است. بعد از آن رسام اول از رسام دوم پرسید. که تصویر تو کجاست؟ گفت در پس آن پرده است. رسام اول پیش آمد. دست خود را دراز کرد تا پرده را بردارد. معلوم شد که همان پرده تصویر است.

پس رسام اول گفت: ای دوست عزیز! تو از من قابلتری؛ زیرا من چنان تصویر کشیدم که پرنده هافریب خوردند و تو چنان تصویر کشیدی که یک رسام بازی خورد.

لغت

تصویر

آویخت

فریب

معنی

رسم

آویزان کرد

حیله، نیرنگ، بازی دادن

پرسش:

۱- رسام اول چه رسمی را کشید؟

۲- رسم رسام دوم چی بود؟

۳- کدام رسم بهتر بود و چرا؟

سپارش:

معلم صاحب شاگردان را به هنر رسامی تشویق نماید.

آفتاب و ستاره گان

انور و شریف در راه مکتب روان بودند، انور به سوی آفتاب دید و گفت: دیروز معلم صاحب در ساعت چهارم اجتماعیات. درباره آفتاب چنین گفت: آفتاب برای زنده گی ما و دیگر زنده جانها لازم و ضروری است. آفتاب روشنی و گرمی میدهد. اگر آفتاب نباشد دنیا سرد و تاریک میشود. آفتاب همیشه از یک سمت طلوع و در سمت دیگر غروب میکند. طرف آفتاب بر آمد مشرق است سمت آفتاب نشست مغرب.



یکی از همصنفان ما پرسید: شمال و جنوب را چگونه پیدا کرده میتوانیم؟ معلم صاحب گفت: شناختن این سمت بسیار آسان است. اگر این طور ایستاده شویم که دست راست ما طرف آفتاب بر آمد و دست چپ ما طرف آفتاب نشست باشد روبه روی ما شمال و پشت سر ما جنوب است. یک همصنفی دیگر ما پرسید: شب که آفتاب نمیباشد سمتها را چگونه میشناسیم؟ معلم صاحب گفت: شب سمت را از روی مهتاب و ستاره قطبی معلوم میکنیم؛ زیرا مهتاب مثل آفتاب از مشرق می برآید و در مغرب مینشیند.

ستاره قطبی است که شمال را به ما نشان میدهد. وقتی که سمت شمال را شناختید، شناختن سمتهای دیگر آسان است. امشب شما به سوی آسمان ببینید حرکت مهتاب و جای ستاره قطبی را معلوم کنید.

لغت

سمت

جهت، طرف

زنده جان

جاندار

غروب

دور شدن، فرو رفتن و ناپدید

شدن آفتاب یا ستاره.

سپارشها:

شاگردان خالیگاه های داده شده را پر نمایند:

۱- طرف آفتاب بر آمد..... است سمت آفتاب
نشست.....

۲- ستاره..... است که شمال را به ما نشان میدهد.
معلم صاحب در شناختن چهار سمت به شاگردان کمک نماید.

بازی تعمیر

برادر بیا یک جا کار کنیم و یک خانه خوب بسازیم، در وقت تعمیر خانه مهندس نقشه میکشد. بعد نقشه را معمار میگیرد و مطابق آن تهداب میکند و کارگرا به کار شروع میکنند. من مهندس میشوم، تو معمار باش. من قلم و کاغذ بگیرم و نقشه میکشم. توبه کار دیگر مشغول شو. این دروازه در آمد است این جا مینشینند به طرف چپ هم باید دو اتاق شود. در کنج حویلی یک مطبخ کوچک آباد شود، در این جای خالی تشناب ساخته شود.

جای فارغی که دورادور عمارت باقی میماند برای باغچه باشد و اطراف آن دیوار کرده شود. میبینیم به چه اندازه مصالح تهیه کرده اید؟

برادر من کار خود را تمام کرده ام، هر چیز آماده است. سنگ پارچه، جغله، گل، چوب خشک، ریگ، چونه و سمنت همه تیار است. در کوزه آب آورده ام حالا من کلند را گرفته تهداب میکنم، توسنگها را نزد من بیا.

لغت

معنی

مهندس	نقشه کش
معمار	گلکار
مشغول	در حال کار کردن، مقابل فارغ و بیکار
مطبخ	آشپز خانه
مصالح	آنچه برای ساختمان لازم است

سپارش:

- معلم صاحب هدف درس را به شاگردان بفهماند.
- شاگردان لغت‌های فوق را در جملات مناسب استعمال کنند، بعداً آنها را در کتابچه های خود بنویسند.

حکایت



مادری برای اطفال خود حکایت مینمود: دهقان پیری مریض شد. دانست که زمان مرگ او نزدیک است و از این مرض شفا نخواهد یافت، فرزندان خود را خواست و گفت: ای فرزندان! من میمیرم و برای شما در باغ گنجی گور کرده ام، بعد از مردنم آن را بر آرید و آسوده زنده گانی کنید. چند روز بعد مرد دهقان وفات کرد فرزندان او را دفن کردند و بعد از چند روز بیل و کلند به دست گرفتند. هر طرف باغ را کاویدند؛ ولی گنج را نیافتند. باغ در آن سال انگور بسیار داد. پسران دهقان انگور را فروختند پول زیاد کمایی کردند و مقصود پدر را دانستند.

نابرده رنج، گنج میسر نمیشود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

لغت

معنی

شفا	صحت و تندرستی
دفن	گور کردن
کاویدن	کندن زمین
گنج	ثروت، دارایی
مزد	اجرت، پاداش

پرسشها:

۱. آیا مرد دهقان بعد از وفاتش گنجی را به فرزندان گذاشته بود؟
۲. مطلب اساسی مرد دهقان از گنج چی بود؟

سپارش:

معلم صاحب در مورد مفهوم بیت توضیحات بدهد و شاگردان را به حفظ نمودن آن تشویق نماید.

کارخانه گی:

در مورد بیت اخیر یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

وطن ما

وطن ما افغانستان است. افغانستان کوههای بلند و جنگلهای سبز دارد. دریا‌های آن صاف و آبهای آن شیرین است. وطن ما چمنهای سبز و خاک حاصل خیز دارد. هوای وطن ما بسیار خوب است.



افغانستان یکی از بهترین قطعات دنیا است. کوههای بلندش از برف پوشیده است. آسمانش صاف و خاکش با برکت است. در باغچه هایش گلها و در چمنهایش گیاهها پیدا میشود. ما از این خاک با برکت فایده میگیریم. این وطن عزیز از پدرها و اجداد ما به ما مانده است. در محافظت آن هزارها نفر شهید شده اند مانیز حاضریم که برای محافظه وطن خود کوشش کنیم.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
میهن	وطن
حصه ها، تکه ها	قطعات
Elf	گیاه
نگهداری	محافظت

سپارش:

معلم صاحب مسؤولیت شاگردان را در مقابل وطن بیان کند.
شاگردان دربارهٔ وطن مقاله یی بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.

کارخانه گی:

درمورد وطن یک مقاله بنویسید که حد اقل پنج سطر باشد.

بیچاره مادر

پسر جان قدر مادر دان که دایم
کشد رنج پسر بیچاره مادر
زجان محبوبتر دانش که دارد
ترا محبوب تر بیچاره مادر
از این پهلو به آن پهلو نه غلتد
شب از بیم خطر بیچاره مادر
برای اینکه شب راحت بخوابی
نخوابد تا سحر بیچاره مادر

تمام حاصلش از عمر این است
که دارد یک پسر بیچاره مادر
آصف مایل

لغت معنی

قدر عزت، اندازه، ارزش
حاصلش نتیجه اش، در آمدش، برداشتش

سپارشها:

- ۱- معلم صاحب در مورد مقام مادر و احترام به او شاگردان را بفهماند.
- ۲- شاگردان معنای دو فرد اول را به نثر در کتابچه های خود بنویسند.
- ۳- شاگردان سه فرد اول را حفظ نمایند.

کارخانه گی:

در مورد مقام و منزلت مادر یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

طفل بی احتیاط

انور بی احتیاط بود. هیچ وقت حفظ الصحه را رعایت نمی‌کرد. از همین سبب اکثر اوقات ناخوش و مریض بود. در یکی از روزهای تابستان با رفقای خود به چمنی که نزدیک خانهٔ شان بود به توپ بازی مشغول گردید. از جست و خیز زیاد و گرمی هوا تشنه شد عرق پُر به خانه آمد و بی پروا آب سرد نوشید. لباسهای خود را کشید و روی زمین نمناک خوابید. وقتی که بیدار شد دید تب دارد و استخوانهایش درد میکنند. به اتاق خود رفت. به بستر افتاد پدرش پهلوی بستر او آمد تا از احوالش خبر بگیرد.

انور به پدر گفت: پدر جان، نمیدانم چه خورده ام که مریض شده ام. پدرش گفت: فرزند دلبندم هیچ نه خورده ای تنها بی احتیاطی کرده ای. اگر بی احتیاطی نمی‌کردی و عرق پر آب سرد نمی‌نوشیدی در جای سرد و نمناک نمی‌خوابیدی هرگز به این درد گرفتار نمی‌شدی. پدرش این را گفت و از خانه بر آمد و داکتری برای معالجهٔ او حاضر نمود. بعد از چندی انور صحت یافت و با خود عهد کرد که باردیگر بی احتیاطی نکند.

معنی

بی پروایی

مراعات کردن

حفظ صحت، نگهداری، تندرستی

لغت

بی احتیاطی

رعایت

حفظ الصحه

پرسشها:

۱. انور چرا مریض شد؟
۲. آیا انور میدانست که نتیجهٔ مریضی اش بی احتیاطی بوده است؟

سپارش:

معلم صاحب به شاگردان در مورد نتیجهٔ بی احتیاطی اطفال مثالها ارائه نماید.

حقوق بشر چیست؟

احمد که یک پسر هوشیار و زرنگ است. در رابطه به موضوعاتی که نمی داند، همیشه از پدر خود معلومات می خواهد. یک روز از رادیو به ارتباط حقوق بشر بعضی حرفها را شنید؛ اما به مطلب آن نفهمید. در وقت چای نوشیدن از پدر خود پرسید: پدر جان، حقوق بشر چیست؟

پدرش - که یک شخص عالم و دانشمند بود. - در جواب سوال درست پسر خود گفت: خوب گوش کن فرزندم! حقوق جمع حق است و حق به معنای حصه، عدالت و انصاف است. انسان یک مخلوق اجتماعی است که خداوند پاک آن را خلق کرده است. انسانها بعضی حقوق انفرادی و اجتماعی دارند.

احمد گفت: یک انسان بر انسان دیگر چی حق دارد؟ پدرش گفت: یک مسلمان بر مسلمان دیگر بسیار حقوق دارد که حضرت محمد (ص) چنین گفته است:

۱. اگر باهم مقابل می شوند با پیشانی گشاده به همدیگر سلام دهند.

۲. اگر یکی دعوت دهد باید دیگری قبول کند.

۳. اگر یکی مریض گردد، دیگری باید احوالش را بپرسد.

۴. اگر یکی بمیرد، دیگران باید در مراسم جنازه او اشتراک کنند.

۵. اگر یکی کار می کند، دیگران باید به او کمک کنند.

ما باید حقوق دیگران را احترام نماییم، زیرا همان طوریکه حقوق و منافع ما برای خود ما اهمیت دارد، حقوق و منافع دیگران نیز برای آنها اهمیت دارد. پس ما نباید کاری کنیم که به حقوق دیگران ضرر برسد و باعث جار و جنجال و منازعه گردد.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
جمع حق	حقوق
چالاک، هوشیار	زرنگ
باز	گشاده
انسان	بشر

حکایت

دانشمندی پسران خود را پند می‌داد که: ای جانان پدر، هنر بیاموزید که ملک و دولت دنیا قابل اعتماد نیست. سیم و زر همیشه در محل خطر است یا دزد به یکبار ببرد، یا صاحبش کم کم بخورد؛ اما هنر چشمه ییست زاینده و دولتیست پاینده.



اگر هنرمند از دولت بیفتد، غم نباشد، که هنر در نفس خود دولت است، هر جاکه رود، قدر بیند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چیند و سختی بیند.

وقتی افتاد فتنه یی در شام
پسران وزیر ناقص عقل
روستا زاده گان دانشمند

هر کس از گو شه یی فرارفتند
به گدایی به روستا رفتند
به وزیری پادشاه رفتند

گلستان سعدی

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
یاد بگیرید	آموزید
جای	محل
باقی، همیشه	پاینده
بالا و بلند	صدر
گدایی، سوال	لقمه چینی
بچه های دهاتی	روستا زاده گان

تنباکو و ضرر های آن

روزی کاکای فرید که شغل تجارت داشت، مریض شد. او پیوسته سرفه میکرد و نهایت خسته میبود.

مریضی کاکای فرید خانواده او را ناراحت ساخت و آنان مجبور شدند، از داکتر کمک بخواهند. داکتر از حرفهای کاکای فرید دریافت که او به استعمال تنباکو عادت کرده است و مدت زیادی چلم و سگرت کشیده است. داکتر کاکای فرید را در یکی از شفاخانه های شهر بستر کرد و برایش ادویه لازم توصیه نمود.

روزی فرید با پدرش به عیادت کاکای خود به شفاخانه رفت، داکتر در باره مریضی کاکای فرید به او و پدرش معلومات داد و گفت: "مریضی کاکای فرید ناشی از استعمال متداوم تنباکوست."

در تنباکو زهری وجود دارد که به اثر دود کردن آن در چلم و سگرت و یا کشیدن نسوار داخل بدن انسان میگردد. سرطان دهن، حنجره، شش، بیماری سل، سکتة قلبی، بدبویی دهن، لکه دندانها و زخم معده، بعضی اوقات به سبب استعمال تنباکو دامنگیر انسان میشود.

امروز مردم دنیا از ضرر این ماده آگاهی حاصل کرده اند و کشیدن سگرت را در دفترها، مکتبها، موترها، هوتلها، شفاخانه ها و بانکها و برخی جاهای دیگر منع قرار داده اند. حتی حیوانات به شمول پرنده گان ضرر تنباکو را دانسته اند و به آن نزدیک نمیشوند.

کاکای فرید خوشبخت بود که زود تر به شفاخانه وداکتر مراجعه کرد. فعلاً صحتش از اثر مداوی بهبود یافته است.

پدر فرید در حالی که از خدمات و معلومات داکتر تشکر نمود، علاوه کرد که از نگاه دین مقدس اسلام هم استعمال این گونه مواد که سبب فقر، مریضی و بالاخره سبب پریشانی خانواده ها و جامعه میگردد مجاز نیست.

کاکای فرید که به این امر ملتفت شده بود، گفت که دیگر به این عمل زشت دست نخواهد زد.

سپارش:

- ۱- شاگردان این قصه را در ختم درس به زبان خود بگویند.
- ۲- شاگردان این قصه را در خانه برای پدر، مادر و سایر همسالان خود بگویند.
- ۳- شاگردان دربارهٔ ضرر تنباکو دو سطر بنویسند.

پرسشها:

- ۱- چرا کاکای فرید مریض شد؟
- ۲- در تنباکو چه چیز موجود است که به اثر دود کردن آن انسان مریض میشود؟

کارخانه گی:

در مورد ضررهای تنباکو یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

ماین چیست و چه خطر دارد؟

روزی مراد به خانهٔ مامای خود رفت. در آن جا دید که مردم این سو و آن سو میدویدند و در یکی از خانه ها گریه و فغان برپاست. مراد از پسر مامای خود پرسید که در این خانه چه حادثه روی داده است؟

پسر مامای مراد با تأثر گفت: ((امروز صبح دو پسر یکی از همسایه گان ما برای جمع آوری هیزم به جنگل کنار دریا رفته بودند. در اثر انفجار ماین یکی از آنان جا به جا هلاک شده و پای دیگر آن قطع گردیده است)). پسر مامای مراد باگفتن این حرفها خاموش شد و دیگر از غصهٔ زیاد توان گپ زدن را نداشت، مراد هم دیگر حرف نزد و هر دو بی نهایت غمگین و متأثر شدند.

وقتی مراد به خانه برگشت، قصه را به پدرش گفت و پرسید که: ماین چیست؟ و چطور انسانها را از بین میبرد؟ پدرش گفت: یک روز یک نفر از کارکنان ماین پاکی به مردم قریه این طور معلومات داد: ماینها اشیای مخصوص و میان خالی استند که از پلاستیک، چوب و آهن تیار گردیده و در بین آنها مواد منفجره جا داده شده است. این سلاح به اثر فشار دست، یا پا و یا چیزی دیگر فوراً منفجر میگردد و هر چیزی را که به دوروپیش آنها باشد از بین میبرد.

ماین ها به اثر اندک بی توجهی خطرهای بسیار بزرگ را بار می آورند. باید بدانیم که سالانه یک تعداد زیاد اشخاص به اثر همین ماینها یا هلاک میشوند و یا معیوب میگرددند.

سپارش:

- ۱- یکی از شاگردان این قصه را به زبان خود بگوید.
- ۲- شاگردان این قصه را در خانه به پدر، مادر، برادران، خواهران همسایه گان و همسالان خود بگویند.

پرسشها:

- ۱- چرا در خانه همسایه مامای مراد گریه و ناله برپا بود؟
- ۲- وقتی مراد به خانه برگشت چه گفت؟

امتحان سالانه

وقتی معلم به صنف داخل شد، پس از احوالپرسی به شاگردان گفت: ممکن در یکی دو روز آینده امتحان سالانه آغاز گردد.

من میدانم، شاگردانی که درسهای خود را روزمره آموخته اند، در این امتحان به مشکلی روبه رو نخواهند شد؛ ولی شاگردانی که کار امروز را به فردا گذاشته و درسهای خود را سرسری خوانده اند، حال باید بیش از پیش کوشش کنند تا در امتحان موفق شوند. بعضی شاگردان از امتحان بیم دارند؛ اما ترس و بیم از امتحان بیمورد است؛ زیرا ترس یأس و ناامیدی بار می آورد؛ ولی برعکس تصمیم و اراده نیک به هر حالت موجب پیروزی و پیشرفت میگردد.

ما در جریان سال تعلیمی از کار خود راضی بوده ایم. امید است، از آن نتیجه مطلوب به دست آید.

استفاده از وقت، کار معقول است. ما در ختم امتحان رخصتی طولانی در پیش داریم. نباید آن را بیهوده سپری کنیم. اجرا و انجام کارهای خانه‌گی، مطالعه کتب در کتابخانه‌ها و یا گرفتن بعضی کورسهای تعلیمی، کسب مهارت در بعضی از پیشه‌ها از قبیل، دوخت، ترمیم وسایل و بعضی چیزهای دیگر همه و همه مسایلی است که میتوان در جریان رخصتی بدان چنگ زد. هر گاه شما به این گونه مسایل توجه داشته باشید، من به حیث یک مربی به شما اطمینان میدهم که نه تنها در درسها و امتحانات متعدد تعلیمی؛ بلکه در صحنه حیات عملاً پیروزی از آن شما خواهد بود.

تعمیر با التعمیر



وزارت مبارزه علیه مواد مخدر

نشہ آغاز بد بختی هاست

جوانان عزیز!

میدانید که استعمال مواد نشہ آور مانند چرس،
شراب، ہیرویین، تریاک و غیره شما را از رقابت
های سالم علمی، اجتماعی و اقتصادی
باز میدارد.

نشہ زندگی فامیل و اجتماع را با بد بختی مواجه میسازد.